



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Steinberg's theory of "love triangle" and its adaptation to the two poems of Khosrow and Shirin Nezami and Weiss and Ramin Asad Gorgani

S. Hosseinabadi, Z. varedi*

Department of Persian Language and Literature, Shiraz University, Shiraz, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 27 August 2020
 Reviewed: 01 October 2020
 Revised: 16 October 2020
 Accepted: 05 December 2020

KEYWORDS

Steinberg theory, commitment, intimacy, lust, different combinations, Weiss and Ramin, Khosrow and Shirin Nezami

*Corresponding Author
 ✉ zt.varedi@gmail.com
 ☎ (+98 71) 36137299

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Love is an example of a common border in human nature, and writers have made a great contribution to the development of this issue and the development of this human field in the creation of literary works around the world of literature. Love stories are one of the literary genres that have attracted the attention of a large audience in Persian and world literature. Love in the world of psychology also has various schools and theories. This article explains one of these theories, proposed by Robert Steinberg, a famous American psychologist in 1987, and tries to adapt it to the love poems "Khosrow and Shirin" by Nezami and "Weiss and Ramin" by Asad Gorgani about romantic relationships. .

METHODOLOGY: This research has been done by descriptive-analytical method.

FINDINGS: This study shows that Nezami in "Khosrow and Shirin" and Asad Gorgani in "Weiss and Ramin" in the field of psychology of romantic relationships, have consciously written their poems.

CONCLUSION: Conclusion: Of the seven possible states in romantic relationships from Steinberg's point of view, four states were in complete agreement with Weiss and Ramin Asad Gorgani and there were differences in three cases, namely in friendly love (intimacy only), hollow love (commitment only), and Compassionate love (commitment + intimacy) There was no adaptation that Asad Gorgani believes in his poem that a romantic relationship without lust or just commitment or only intimacy does not last. In Khosrow and Shirin Nezami, out of seven possible states in romantic relationships, from Ashtenberg's point of view, five states were in complete agreement with the theory, and there were differences in two cases; That is, in friendly love (intimacy only) and compassionate love (commitment + intimacy), there was no adaptation that shows that Nezami in Khosrow and Shirin does not accept romantic relationships in which only intimacy or commitment is accompanied by intimacy.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.5485](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.5485)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 13	 2	 1

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

نظریه «مثلث عشق» اشتنبرگ و انطباق آن با دو منظومه خسرو و شیرین نظامی و ویس و رامین اسعد گرگانی

سارا حسین آبادی، زرین تاج واردی*

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: عشق نمونه‌ای از مرز مشترک در سرشت بشر است و نویسندگان سهم بسیاری در پروراندن این موضوع و جلوه این ساحت انسانی در آفرینش آثار ادبی در پهنه جهان ادب داشته‌اند. داستانهای عاشقانه یکی از انواع ادبی است که در ادبیات فارسی و جهان توجه مخاطبان پرشماری را به خود معطوف کرده است. عشق در عالم روانشناسی هم دارای مکانب و نظریه‌های گوناگونی است. در این مقاله به توضیح یکی از این تئوریها که توسط رابرت اشتنبرگ^۱ روانشناس معروف آمریکایی در سال ۱۹۸۷ ارائه شده است، پرداخته و سعی شده با منظومه‌های عاشقانه «خسرو و شیرین» نظامی و «ویس و رامین» اسعد گرگانی در خصوص روابط عاشقانه تطبیق داده شود.

روش مطالعه: این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است.

یافته‌ها: این بررسی نشان می‌دهد نظامی در «خسرو و شیرین» و اسعد گرگانی در «ویس و رامین» در زمینه روانشناسی روابط عاشقانه، آگاهانه منظومه‌های خود را بنگارش درآورده‌اند. **نتیجه‌گیری:** از هفت حالت ممکن در روابط عاشقانه از دیدگاه اشتنبرگ، چهار حالت آن با ویس و رامین اسعد گرگانی انطباق کامل داشت و در سه مورد اختلاف دیده می‌شود، یعنی در عشق دوستانه (فقط صمیمیت)، عشق توخالی (فقط تعهد)، و عشق مشفقانه (تعهد + صمیمیت) انطباقی وجود نداشت که اسعد گرگانی در منظومه خود معتقد است رابطه عاشقانه بدون هوس یا فقط تعهد و یا فقط صمیمیت تداوم ندارد.

در خسرو و شیرین نظامی از هفت حالت ممکن در روابط عاشقانه از دیدگاه اشتنبرگ، پنج حالت با نظریه انطباق کامل داشت و در دو مورد اختلاف دیده می‌شود؛ یعنی در عشق دوستانه (فقط صمیمیت) و عشق مشفقانه (تعهد + صمیمیت) انطباقی وجود نداشت که نشان می‌دهد نظامی در خسرو و شیرین، روابط عاشقانه را که فقط در آن صمیمیت و یا تعهد همراه با صمیمیت است، قبول ندارد.

تاریخ دریافت: ۰۶ شهریور ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۱۰ مهر ۱۳۹۹

تاریخ اصلاح: ۲۵ مهر ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۱۵ آذر ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

تئوری اشتنبرگ، تعهد، صمیمیت، هوس، ویس و رامین، خسرو و شیرین.

* نویسنده مسئول:

✉ zt.varedi@gmail.com

☎ ۳۶۱۳۷۲۹۹ (۰۹۸ ۷۱)

مقدمه

مفهوم عشق، علی‌رغم اینکه برای اکثر مردم احساسی شناخته‌شده است، ارائه تعریفی دقیق و علمی از آن برای روانشناسان بسیار سخت می‌باشد. در ادبیات فارسی نیز مفهوم عشق، پرتکرارترین مضمونها بشمار میرود، بدون آنکه مفهومی صریح و روشن از آن بدست داده باشند و یا چارچوب تبیین‌شده‌ای داشته باشد (مجد و مجد، ۱۳۹۰). در همین راستا یکی از حوزه‌های علوم انسانی که به موضوع عشق پرداخته، روانشناسی است که بعنوان یک علم مبنایست تعریف مشخص و دقیقی از عشق ارائه دهد. اریک فروم، روانشناس آلمانی، که بواسطه تحقیقات فراوانی که حول موضوع عشق انجام داده و به پدر عشق معروف است، عشق را پاسخی به مسئله وجودی انسان میدانند. وی در تعریف عشق و تبیین مؤلفه‌های آن چنین می‌گوید: «عشق عبارت است از رغبت جدی به زندگی و پرورش آنچه بدان عشق می‌ورزیم» (هنر عشق ورزیدن، فروم: ص ۳۹). فروم در بیان جنبه‌ها و عناصر سازنده عشق «ایثار» را در درجه اول اهمیت قرار میدهد و عناصر اساسی دیگر عشق را دلسوزی، احساس مسئولیت، احترام و دانایی میداند (همانجا). «جان لی» انواع عشق را در شش قالب عنوان میکند (لی، ۱۹۷۳) و با آنکه «هنریک» در عقاید خود عشق را حاصل تکامل عواملی میدانند که در نظریه اشتنبرگ بیان شده است (هنریک، ۱۹۸۶) اما هنوز تئوری رابرت اشتنبرگ که در سال ۱۹۸۶ ارائه و مورد توجه بیشتر روانشناسان قرار گرفته، ارزش علمی خود را حفظ نموده است.

در این مقاله با الگوبرداری از مقاله «نظریه مثلث عشق اشتنبرگ و انطباق آن با عقاید سعدی» از امید مجد و پروانه مجد (۱۳۹۰)، این تئوری با خسرو و شیرین نظامی و ویس و رامین اسعد گرگانی انطباق داده میشود

سابقه پژوهش

در مورد دو اثر خسرو و شیرین نظامی و ویس و رامین اسعد گرگانی تحقیقات زیادی به زبان فارسی و دیگر زبانها صورت گرفته، اما در بررسیهایی که از دیدگاه مثلث عشق انجام شده است و به این پژوهش مربوط میشود، میتوان به دو مقاله اشاره کرد. مقاله اول «مقایسه مثلث عشق مرگ شاه آرتور و خسرو و شیرین» است که تائبی و پورخالقی چترودی (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای تطبیقی با کمک گرفتن از دیدگاه مثلث عشق رقیب، عاشق و معشوق به بررسی وجوه اشتراک این دو اثر پرداخته‌اند. مقاله دوم مقاله «نظریه مثلث عشق اشتنبرگ و انطباق آن با عقاید سعدی» از امید مجد و پروانه مجد (۱۳۹۰) است که با تطبیق روابط عاشقانه و ارائه شباهتها و تفاوتها، به انطباق مثلث عشق اشتنبرگ با علایق سعدی پرداخته‌اند که این مقاله الگوی کار نگارندگان میباشد.

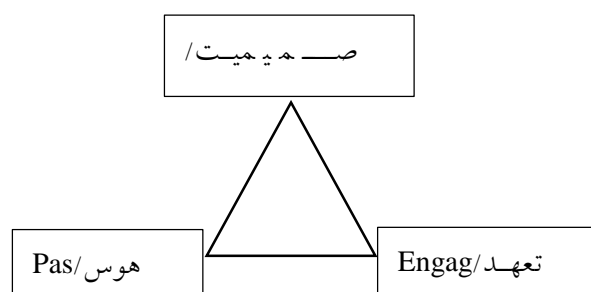
بحث و بررسی

مثلث عشق اشتنبرگ

رابرت اشتنبرگ^۱ روانشناس مشهور آمریکایی متولد ۱۹۴۹ است. او در حال حاضر استاد توسعه انسانی دانشگاه کرنل و همچنین عضو هیئت تحریریه بسیاری از نشریات معتبر روانشناسی آمریکاست. محور اصلی تحقیقات وی هوش و خلاقیت است. وی درباره رابطه نزدیک عشق و نفرت نیز مطالعات بسیاری انجام داده است. از مهمترین نظریات او نظریه هوش سه‌گانه، نظریه نفوذ مربوط به خلاقیت و مثلث عشق را میتوان نام برد. رابرت اشتنبرگ بعنوان یکی از ۶۰ روانشناس برتر قرن ۲۰ انتخاب شده است (روانشناختی، اشتنبرگ: مقدمه).

1. Robert Sternberg

مثلث عشق، نظریه‌ای روانشناسی است که به ظاهر ساده اما بسیار عمیق و پرمعناست و کارایی علمی در پیش‌بینی و تشخیص روابط عاشقانه دارد. مثلث عشق معمولاً به یک رابطه عاشقانه اطلاق می‌شود که در آن هرم تعهد، صمیمیت و هوس مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در روند عادی رابطه زن و مرد می‌تواند مسیری را میان این سه فاکتور طی کند و رابطه‌های خاصی را شکل دهد و بتواند عشق‌های مختلفی را بوجود آورد. در سال ۱۹۸۶، اشتنبرگ نظریه علمی الگوی «مثلث عشق» را ارائه مینماید. او عشق را به مثلثی متساوی‌الاضلاع مانند می‌کند و معتقد است سه عنصر «صمیمیت»، «تعهد»، «اشتیاق شدید» یا «هوس» در فرایند عشق دخالت ویژه دارد. اشتنبرگ معتقد است این سه عنصر بندرت بطور مساوی در فردی جمع می‌شود و میزان دخالت هر یک از این ابعاد در روابط عاشقانه متفاوت و متغیر است. در این نظریه هر چه سه عنصر یادشده در زن و شوهر وجود داشته باشد، عشق کاملتری رخ میدهد و اگر این سه عنصر تکی یا دوه‌دو ظاهر شوند، سطح رضایتمندی کمتر و عشق ناقص‌تر است (Sternberg & Barnes, psychology of love: p70).



حال به تبیین هر سه عنصر ذکرشده پرداخته میشود:

تعهد^۱: تعهد شامل مسئولیت‌پذیری، وفاداری و وظیفه‌شناسی میشود. تعهد یعنی به رسمیت شناخته شدن کسی توسط فرد دیگری که احساسات صادقانه و دلبستگی به وی دارد (مجد و مجد، ۱۳۹۰)؛ به عبارتی دیگر عاشق تصمیم می‌گیرد و متعهد میشود که دلبسته و وابسته به یک معشوق باشد و بعد از او شریک دیگری برای خود انتخاب نکند و تا طولانی مدت به نگهداری قلبی و ایمانی او پایبند باشد (Sternberg, A Triangular Theory of Love psychological Review: p119).

صمیمیت^۲: صمیمیت یعنی رازها و تجربه‌های فردی و مشترک، احساس راحت بودن در کنار یار و بیان راحت عقیده‌های طرفین به یکدیگر (مجد و مجد، ۱۳۹۰). صمیمیت پیوند نزدیک و احساس وابستگی صمیمانه است و به اشتراک گذاشتن خصوصیت‌ترین و عمیق‌ترین افکار و احساسات میان دو نفر، احساساتی از قبیل مهربانی، احساس و اظهار محبت و علاقه، همدلی و غمخواری، تجربه خوشحالی، توجه و مراقبت از یکدیگر، درک متقابل، ارائه و دریافت عاطفی و ارج نهادن به یکدیگر. «گاهی با تغییر شرایط زندگی زوجین ممکن است صمیمیت مختل گردد، مثلاً تولد یک فرزند یا فشارهای کاری یا اقتصادی» (همان).

¹ Engagment

² Intimite

اشتیاق شدید یا هوس یا شهوت^۱: هوس و رغبت جذابیت‌های جسمی و جنسی و شهوانی طرفین است که این بعد بیشتر جنبه انگیزشی دارد و جاذبه‌های جنسی مانند یک موتور روانی است که رابطه زوجین را انرژی میبخشد. لوبومیرلامی معتقد است جاذبه‌های جنسی یک کشش ناآگاهانه به فرد مشخص شده دیگر است با یک جاذبه فیزیکی غیرقابل مقاومت و یک میل جسمانی. جاذبه جنسی یا همان اشتیاق شدید یا هوس یا شهوت در ابتدای یک رابطه بسیار شدید است و سرعت به یک عادت متمایل میگردد (Lumomir, 2009).

اینک به بررسی هریک از ترکیب‌های موجود تکی، دوتایی و سه‌تایی در نظریه اشتنبرگ پرداخته میشود.

فقط صمیمیت: در این بعد فقط عامل صمیمیت وجود دارد و دو بعد دیگر بسیار کم‌رنگ یا بیرنگ است. این نوع عشق، احساس ایجاد یک رابطه دوستی عمیق و حقیقی است. در این حالت احساس دلسوزی، رفاقت، گرمی و علاقه و هیجانات مثبت وجود دارد، اما اضلاع دیگری مانند احساس هوس (شور و شوق و شهوت) و تعهد وجود ندارند و رابطه فقط بر اساس مهر و دوستی بین دو طرف است، لذا عملاً چنین رابطه‌ای برای زن و مرد معنا ندارد (مجد و مجد، ۱۳۹۰) و این نوع رابطه را «عشق دوستانه» (amiti) نام نهاده‌اند و مابین دو دوست اتفاق می‌افتد و لذا از دایره بحث ما خارج است.

فقط هوس: در این نوع عشق، بعد هوس بر دیگر اضلاع مثلث عشق حاکم است. یک حالت شور و اشتیاق است که در آن فرد بشدت و افراط مجذوب میشود، درحالیکه صمیمیت و تعهد واقعی را تجربه نکرده است، بطور وسواس‌گونه‌ای از طرف مقابل شخصی ایده‌آل میسازد. در این بعد میزان برانگیختگی فیزیولوژی و روانی بالاست. مجد این رابطه را عشق سودایی^۲ مینامد و آن را رابطه‌ای بی‌پایه و پوچ میداند و اظهار میدارد که به آن عشق در نگاه اول نیز میگویند (همان).

در داستان خسرو و شیرین عشق خسرو در ابتدا نسبت به شیرین فقط هوس است، هرچند بعداً این عشق بصورت پله‌ای تغییر میکند و دچار پختگی میشود.

چو برگفت این سخن شاپور هشیار	فراغت خفته گشت و عشق بیدار
چنان آشفته شد خسرو به آن گفت	کز آن سودا نیاسود و نمیخفت

(آیتی، ۱۳۷۶، داستان خسرو و شیرین)

وقتی که خسرو شیرین را در چشمه میبیند آتش شور و اشتیاق او تندتر و شعله‌ورتر میشود:

ز هر سو کرد بر عادت نگاهی	نظر ناگه درافتادش به ماهی
چو لختی دید از آن دیدن خطر کرد	که بیش آشفته شد تا بیشتر دید
شه از دیدار آن بلور دلکش	شده خورشید یعنی دل پر آتش
به کس نتوان نمود این داوری را	که خسرو دوست میدارد پری را

شیرویه پسر مریم است که پس از مرگ مادر و پدرش خسرو اصرار دارد که با شیرین ازدواج کند و اما شیرین به او هیچ رغبتی ندارد.

ز مریم بود یک فرزند خامش	چو شیران ابخر و شیرویه نامش
شنیدم من که آن فرزند قتال	در آن طفلی که بودش قرب نه سال

¹ Passion

² Amour Choque

چو شیرین را عروسی بود میگفت
 که شیرین کاشکی بودی مرا جفت
 (آیتی، ۱۳۷۶، داستان خسرو و شیرین)

انگیزه شیرویه فقط هوس و شهوت است.

دل شیرویه را شیرین ببايست
 زنهانی کس فرستادش که خوش باش
 چو هفته بگذرد ماه دوهفته
 خداوندی دهم بر هر گروهش
 چو گنجش زیر زر پوشیده دارم
 ولی اظهار این معنی نشایست
 یکی هفته در این غم بارکش باش
 شود در باغ من چون گل شکفته
 ز خسرو بیشتر دارم شکوهش
 کلید گنجها او را سپارم
 (آیتی، ۱۳۷۶، داستان خسرو و شیرین)

که پس از این ابراز علاقه شیرویه، شیرین بشدت عصبانی میشود.

در داستان ویس و رامین، عشق شاه موید به شهرو نیز عشق سودایی است. از آنجاکه شهرو میان زنان سرآمد است و به نقل از تقوی کوتنابی شهرو علی‌رغم پیری چهره‌ای دلربا دارد و با دلبری خود شاه را عاشق میکند و شاه موید به او متمایل میشود اما شهرو اسیر هوا و هوس نمیشود و خویشتن‌دار است (تقوی کوتنابی، ۱۳۹۴). عشق شاه موید به شهرو فقط هوس است.

بدید آن سیم‌تن سرو روان را
 به تنهایی مرو را پیش خود خواند
 به گیتی کام راندن با تو نیکوست
 تو را از هرچه دارم برگزینم
 تن و جان در رهت قربان کنم من
 بت خندان و ماه بانوان را
 به سان ماه نو برگاه بنشانند
 تو بایی در برم یا جفت یا دوست
 به چشم دوستی جز تو نمی‌بینم
 هر آن چیزی که گویی آن کنم من
 (روشن، ۱۳۸۶، ویس و رامین)

اما شهرو پیشنهاد شاه موید را رد میکند:

بدو گفت: ای جهان‌کامگاری
 نه آنم من که یار و شوی جویم
 چرا بر من همی افسوس داری
 کجا من نه سزای یار و شویم
 (روشن، ۱۳۸۶، ویس و رامین)

فقط تعهد: در این نوع عشق فقط تعهد وجود دارد. یک رابطه بلندمدت راکد است که در آن طرفین، رابطه هیجانی و عاطفی را از دست داده‌اند و برای هم به عادت مبدل شده‌اند. گاهی از روی بیکی، ترس یا فرزندان در کنار هم میمانند. این نوع رابطه بیشتر برای ازدواج‌های ازپیش‌تعیین‌شده سنخیت دارد. مجد به نقل از اشتنبرگ این رابطه را «عشق توخالی» مینامد (مجد و مجد، ۱۳۹۰).

اولین حضور مریم در داستان خسرو و شیرین به هنگام نکاح او با خسرو است. زمانی که خسرو برای کمک گرفتن از قیصر روم میرود، شروط مریم تعهدات سیاسی و اخلاقی بسیاری برای خسرو ببار می‌آورد. خسرو مریم را دوست نمیداشت، چنانکه حتی پس از شکست بهرام چوبین و به تخت نشستن در مدائن با وجود مریم باز پیوسته به یاد شیرین بود. ریاحی مینویسد مریم هم زیباست هم باهوش و دانا اما هیچ عشقی به شاه ندارد و نمیتواند خلأ وجود شیرین را برای خسرو پر کند. اضطراب خسرو از تاراج مملکت و کمک خواستن از قیصر روم و ازدواج با مریم از ابیات زیر نمایان است. در این ابیات خبری از علاقه خسرو به مریم نیست.

در آن ره رفتن از تشویش تاراج	به ترک تاج کرده، ترک را تاج
ز بیم تیغ رهداران بهرام	ز ره رفتن نبودش یک دم آرام
وز آنجا نیز یک راند یک سر	به قسطنطنیه شد سوی قیصر
عظیم آمد چو شد آن حال معلوم	عظیم الروم را آن فال در روم
چنان در کیش عیسی شد بدو شاد	که دخت خویش مریم را بدو داد
	(آیتی، ۱۳۸۶، داستان خسرو و شیرین)

در داستان ویس و رامین این نوع عشق وجود ندارد.

تعهد + صمیمیت: این نوع عشق ترکیبی از صمیمیت و تعهد است و اصطلاحاً عشق مشفقانه^۱ نام دارد. رابطه دوستانه پایدار و طولانی مدت و متعهدانه که همراه با صمیمیت است. تصمیم بر آن است که شخص، طرف مقابلش را دوست داشته باشد و به ماندن با او متعهد شود. از نظر اشتنبرگ این رابطه در خطر فروپاشی قرار ندارد و چنین رابطه‌ای پس از دوران میانسالی رخ میدهد نه در زوجهای جوان، زیرا رابطه بدون هوس برای جوانان رابطه‌ای ناپایدار است. با بررسی بر روی این دو اثر با توجه به تعریف بالا شاهدمثالی در این باره یافت نشد.

تعهد + هوس: این نوع عشق از ترکیب شهوت و تعهد بوجود می‌آید و عنصر صمیمیت در آن دیده نمیشود و آن را کورکورانه^۲ نیز میگویند. طرفین صرفاً براساس هوس و شهوت به هم متعهد هستند و رابطه صمیمانه و عاطفی عمیقی با هم ندارند. این حالت گردبادی از هیجانان است که زود فروکش میکند، این عشق حالت شدید شوریدگی دارد.

در داستان خسرو و شیرین، شکر زنی ماهروی با قدی چون سرو و خنده‌ای چون شکر است. خسرو تنها عیب شکر را گستاخی او میداند. نظامی در وصف او میگوید:

به هر جایی چو باد آرام گیرد	چو لاله با همه کس جام گیرد
ز روی لطف با کس درنسازد	که آن کس خانمان را درنبازد
	(آیتی، ۱۳۸۶، داستان خسرو و شیرین)

روی آوردن خسرو به شکر از روی طبع هوس‌باز خسرو است، بخصوص که خسرو در آغاز عشق فرهاد از اینکه شیرین آشفته‌ای چون فرهاد را همسنگ او قرار داده خشمگین میشود و گویی نوعی تلافی است، البته تلافی‌ای که از روی هوس است تا جایی که با شنیدن اوصاف شکر اصفهانی شور و اشتیاق و هوس در او شعله‌ور میشود و به نزد شکر میرود و با او ازدواج میکند.

یکی گفتم سزای بزم شاهان	شکر نامیست در شهر سپاهان
به شکر بر ز شیرینیش بیداد	وز او شکر به خوزستان به فریاد
ملک را درگرفت آن دلنوازی	اساسی نو نهاد از عشق‌بازی
سرش سودای بازار شکر داشت	که شکر هم ز شیرینی اثر داشت
چه شکلی چند رفت از عیش‌سازی	پدید آمد نشان بوس و بازی
همان جفته نهاد آن سیم ساقش	به جفتی دیگر از خود کرد طاقش

^۱ Compagnonnage = Complicite

^۲ Lamour fou = admiration

فرستاد و سرای خویش خواندش
به آیین زناشویی نشاندهش
(آیتی، ۱۳۸۶، داستان خسرو و شیرین)

عشق شاه موبد به ویس در داستان ویس و رامین زیرمجموعه این عشق قرار می‌گیرد، چون هیچ‌گونه صمیمیتی میان آن دو وجود ندارد و تنها هوس شاه موبد به ویس است که او را متمایل به وی می‌کند و سپس ویس را به همسری خود برمیگزیند.

فراوان جست ویس دلستان را
شهنشه را از آن دلبر خبر داد
به مرو اندر هزار آذین بیستند
چو بخت شه شکفته بوسه تان
ولیکن نور پیشانی و رویش
ندید آن نوش‌کفته بوستان را
که مشکین بود خاک و عنبر این باد
پری رویان بر آذینها نشستند
چو روی ویس خندان گلستانش
همیدون بوی زلف مشک بویش
(روشن، ۱۳۸۶، ویس و رامین)

در جای دیگر داستان ویس و رامین، عشق رامین به گل و ازدواج با او همراه با هوس و تعهد است. گل براحته با رامین ازدواج می‌کند و به همان راحتی نیز رامین او را کنار می‌زند.

دل رامین به هشیاری و مستی
بدینسان بود حالش تا یکی روز
نگاری نوبهاری غمگساری
ز خوشی هم‌چو شاهی جوانی
چو رامین دید آن سرو روان را
دو پایش سست شد خیره فروماند
بدو گفت ای جهان را نامور شاه
ز ما بپذیر یک شب مهمانی
چه نامی وز کدامین جایگاهی
اگر با تو کسی پیوند جوید
چو نار آگنده بود از درد و مستی
به رحم بر دید خورشیدی دل‌افروز
ستمگاری به دل بردن سواری
ز شیرینی چو کام و زندگانی
بت با جان و ماه با روان را
ز سستی تیرها از دست بفشانند
ز تو چون ماه روشن‌کشور ما
که داریمت به نار و شادمانی
مرا خواهی به جفتی یا نخواهی
از او مادرت کاوین چند جوید

و گل پاسخ می‌دهد:

مرا مادر به زیر گل بزادست
منم گلبرگ و گل‌بوی و گل‌اندام
پس آنکه نامداران را بخوانند
جهان‌افروز رامین کرد پیمان
که تا جانم بماند در تن من
گل خوشبوی نام من نهاد است
گلم چهره گلم گونه گلم نام
دگر ره در و گوهر برفشاندند
به سوگندی که بود آیین ایشان
گل خورشید رخ باشد زن من
(روشن، ۱۳۸۶، ویس و رامین)

صمیمیت + هوس: این نوع عشق که به آن «عشق رمانتیک»^۱ هم میگویند، ترکیبی از صمیمیت و هوس است که براساس دو جنبهٔ جذابیت فیزیکی و عاطفی استوار است. نوعی احساس نزدیکی و پیوند در حالت اعتماد عاطفی بین طرفین حاکم است. طرفین به خودافشایی میپردازند، بدون آنکه از طرد شدن ترسی داشته باشند عقاید و افکار و خواسته‌هایشان را با هم براحتی به اشتراک میگذارند و با ابراز آنها، حالت اوج شوروشوق را تجربه میکنند. اما بعلت نداشتن تعهد و بینش، امکان تداوم این رابطه‌ها بسیار کم است. این رابطه میان دختران و پسران جوانی است که همدیگر را دوست دارند، ولی هنوز ازدواج نکرده و مطمئن نیستند که امکان ازدواج دارند یا نه، همواره در اضطرابند و عدم امنیت از اینکه این رابطه تا کی ادامه مییابد، هر دو طرف را می‌آزارد و مأیوس میکند، اگرچه پیوسته شوق شدیدی بین آنهاست (مجد و مجد، ۱۳۹۰).

فرهاد تمام صفات یک هنرمند را داراست. صداقت و یکرنگیش را در عشق نشان میدهد. او با ساده‌دلی فریب مرد زشتخوی را میخورد و مرگ شیرین را باور میکند. فرهاد مثل همهٔ هنرمندان صادق است و به مقام و زروزیور دنیا اعتقادی ندارد. او با آنکه میداند کندن کوه بیستون ناشدنی است، آن را انجام میدهد و از خطر مرگ نمیهراسد (ریاحی، ۱۳۵۸، قهرمان خسرو و شیرین).

ز شیرین گفتن و گفتار شیرین	ز شده هوش از سر فرهاد مسکین
چو دل در عشق شیرین بست فرهاد	برآورد از وجودش عشق فریاد
بسختی می‌گذشتش روزگاری	نمی‌آمد ز دستش هیچ کاری
ز گرمی برده عشق آرام او را	به جوش آورده هفت تن دام او را
نیاسود از دویدن صبح تا شام	مگر کز خویشتن بیرون نهد گام
	(آیتی، ۱۳۷۶، داستان خسرو و شیرین)

نشان صمیمیت و عاشقی فرهاد در این ابیات کاملاً مشخص است او از این عشق از خوردوخوراک هم افتاده است. چنان با اختیار یار در ساخت به هر وقتی شمدی مهمان آن حور جز از شیر از جهان خوردی نبودش

چنان با اختیار یار در ساخت	که از خود یار خود را باز نشناخت
به هر وقتی شمدی مهمان آن حور	به دیداری قناعت کردی از دور
جز از شیر از جهان خوردی نبودش	برون زان حوض ناوردی نبودش
	(آیتی، ۱۳۷۶، داستان خسرو و شیرین)

عشق خسرو به شیرین در مرحلهٔ دوم عشقبازی ذیل این عشق قرار میگیرد، زیرا پس از دیدار آن دو صمیمیتی میانشان شکل میگیرد و به هم بسیار علاقه‌مند میگردند.

نسیم سبزه و بوی ریاحین	پیام آورده از خسرو به شیرین
کزین از خوشتر شبی خواهد رسیدن	وزین شادابتر بویی دمیدن
چرا چندین وصال از دور بینیم	اگر نوریم تا در نور بینیم
هوایی معتدل چون خوش بخندیم	تنوری گرم نان چون درنندیم
دل شادش به دیدار دل افروز	طرب می‌کرد و خوش می‌بود تا روز
شبی بی‌رود و رامشگر نبودند	زمانی بی‌می و ساغر نبودند
می و معشوق و گلزار و جوانی	از این خوشتر نباشد زندگانی

¹ Romantic

گهی در گوش دلبر راز گفتن گهی غم‌های دل را بازگفتن
(آیتی، ۱۳۷۶، داستان خسرو و شیرین)

ر داستان ویس و رامین عشق ویس به رامین و رامین به ویس تا قبل از ازدواج عشق رمانتیک است، زیرا ویس اگرچه در حق همسر خود شاه موبد خائن و ستمکار است، برای رامین دلداده‌ای بی‌همتا است. هیچ نکته مبهمی در شخصیت او نیست، یک هدف را می‌خواهد و با تمام وجود آن را دنبال میکند (محمدپور، ۱۳۸۸). ویس در عشق به رامین بخاطر پابندی به او و درهم شکستن موانع و ایستادگی تا پای جان ستوده میشود، او زنی است که پای تاوان اعمال خویش ایستاده است (ر.ک، جودی نعمتی، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

رخ و یسه پدید آمد ز پرده دل رامین شد از دیدنش برده
کجا چون دید را مین روی آن ماه تو گفستی خورد بر دل تیر ناگاه
(روشن، ۱۳۸۶، ویس و رامین)

رگه‌های نومیدی که ترس از آینده در رامین را بوجود آورده بخوبی با تعریف این نوع عشق همخوانی دارد. رامین با خودش می‌گوید:

چرا داری به وصل ویس امید که هرگز کس نیابد وصل خورشید
چرا چون ابلهان امید داری بدان کت نیست زو امیدواری
(روشن، ۱۳۸۶، ویس و رامین)

ویس در وصف رامین به مادر می‌گوید:

سزد گر با چنین رخ عشق‌بازی سزد گر با چنین دلبر بسازی
همی تا ویس رامین را همی دید تو گفستی جان شیرین را همی دید
چو نیک اندر رخ رامین نگه کرد وفا و مهر ویرو را تبه کرد
(روشن، ۱۳۸۶، ویس و رامین)

ویس بهتر از رامین کسی را دل آرام خود نمیداند:
از این بهتر دل آرامی نیابم

سر از پیمان و فرمانش نتابم
(روشن، ۱۳۸۶، ویس و رامین)

صمیمیت + تعهد + هوس: این نوع عشق، ترکیبی از سه حالت صمیمیت، هوس و تعهد است. این عشق را «عشق آرمانی» یا «عشق کامل»^۱ مینامند. طرفین نگاه وفادارانه انسانی به همدیگر دارند و با احترام از هم یاد میکنند و میزان و مقدار استفاده از سه ضلع عشق بطور تساوی در این نوع عشق رعایت میشود. این نوع عشق کاملترین و باثباتترین نوع در مقایسه با سایر انواع عشق است. از نظر اشتنبرگ رابطه‌ای است که بسیاری از مردم در تلاش و آرزوی رسیدن به آن هستند (Sternberg, A Triangular Theory of Love, psychological). (Review: p122)

عشق شیرین به خسرو از همان ابتدا آرمانی است، زیرا هم دارای صمیمیت است و هم در آن شور و شوق و اشتیاق و هوس است و هم شیرین طالب ازدواج با خسرو است، اما خسرو از این کار سر باز می‌زند. عشق خسرو به شیرین همانطور که گفته شد، در ابتدا صمیمیت و هوس است و عشق او رمانتیک است، اما بعد از گذر زمان و

^۱ . Amour ucheve

ازدواج با مریم و مرگ او، ازدواج با شکر و جدایی از او، بسمت شیرین باز میگردد و عشقش وارد مرحله پختگی و کمال میشود. خسرو پس از ازدواج با شیرین مثلث عشق را کامل میکند.

صلا درداد خسرو را که دریاب	چو شیرین گشت شیرینتر ز جلاب
لبالب کرده و بر لب نهاده	ملک بر یاد شیرین تلخ باده
بدینسان تا ز شب بگذشت پاسی	به شادی هر ز مان می خور کاسی
شود سوی عروس خویش داماد	چو آمد وقت آن کاسوده و شاد
به جای غاشیه اش بر دوش بردند	چنان بد مست کش بیهوش بردند
بنفشه در بر و نسرين در آغوش	شبانروزی دگر خفتند مد هوش
نشدرنگ عروسی تا به یک ماه	ز دست خاصگان پرده شاه
(آیتی، ۱۳۷۶، داستان خسرو و شیرین)	

رابطه ویس با ویرو در این نوع عشق قرار میگیرد در آن هوس، تعهد و صمیمیت وجود دارد. عشق ویس و ویرو سه مؤلفه مثلث عشق اشتنبرگ را دارد.

به گونه خوار کرده گلستان را	چو مادر دید ویس دلستان را
جهان را از تو پیرایست و اورنگ	بدو گفت ای همه خوبی و فرهنگ
ندانم در خورت شویی به کشور	تو را خسرو پدر بانوت مادر
مگر ویرو که هستت خود برادر	در ایران نیست جفتی با تو همسر
شد از بس شرم رویش چون معصفر	چو بشنید این سخن ویسه ز مادر
نمود از خامشی هم داستانی	بجنبیدش به دل بر مهربانی
فروزان هم چو ماه آسمان شد	دلش از مهربانی شادمان شد
گرفته دست ویس و دست ویرو	به ایوان کیانی رفت شهرو
بسی کرد آفرین بر هر دوان شاد	پس آنکه دست ایشان را به هم داد
وزین پیوند برخوردار باشید	به نیکی یکدگر را یار باشید
فروزنده به هم چون ماه و خورشید	بمانید اندر این پیوند جاوید
(روشن، ۱۳۸۶، ویس و رامین)	

عشق رامین به ویس در ابتدا مانند عشق خسرو به شیرین است، یعنی نسبت به ویس تنها صمیمیت و هوس را دارد و عشق او رمانتیک است، اما آرام آرام پس از جدایی از گل و مرگ شاه موبد با ویس ازدواج میکند (تعهد) و هر سه ضلع مثلث عشق اشتنبرگ کامل میگردد.

ز دادش گشت پر مه تا به ماهی	چو بر رامین مقرر گشت شاهی
مرو را پادشاه خویشتن کرد	جهان در دست ویس سیم تن کرد
چو مامک خوب و چون بابک دلاور	دو فرزند آمدش زان ماه پیکر
به نیکی کام دل یک سر براندند	به شاهی سالیان با هم بماندند
(روشن، ۱۳۸۶، ویس و رامین)	

نتیجه گیری

از هفت حالت ممکن در روابط عاشقانه از دیدگاه اشتنبرگ، چهار حالت آن با ویس و رامین اسعد گرگانی انطباق

کامل داشت و در سه مورد اختلاف دیده می‌شد، یعنی در عشق دوستانه (فقط صمیمیت)، عشق توخالی (فقط تعهد)، و عشق مشفقانه (تعهد + صمیمیت) انطباقی وجود نداشت که اسعد گرگانی در منظومه خود معتقد است رابطه عاشقانه بدون هوس یا فقط تعهد و یا فقط صمیمیت تداوم ندارد.

در خسرو و شیرین نظامی از هفت حالت ممکن در روابط عاشقانه از دیدگاه اشتنبرگ، پنج حالت با نظریه انطباق کامل داشت و در دو مورد اختلاف دیده می‌شد؛ یعنی در عشق دوستانه (فقط صمیمیت) و عشق مشفقانه (تعهد + صمیمیت) انطباقی وجود نداشت که نشان می‌دهد نظامی در خسرو و شیرین، روابط عاشقانه را که فقط در آن صمیمیت و یا تعهد همراه با صمیمیت است، قبول ندارد.

انواع عشق اشتنبرگ	خسرو و شیرین نظامی	ویس و رامین اسعد گرگانی
عشق دوستانه	✘	✘
عشق سودایی	عشق خسرو به شیرین در ابتدای داستان عشق شیرویه به شیرین	عشق شاه موبد به شهرو
عشق توخالی	عشق خسرو به مریم	✘
عشق مشفقانه	✘	✘
عشق کورکورانه	عشق خسرو به مریم عشق خسرو به شکر	عشق موبد به ویس عشق رامین به گل
عشق رمانتیک	عشق فرهاد به شیرین عشق خسرو به شیرین در میانه داستان	عشق ویس به رامین قبل از ازدواج
عشق کامل	عشق خسرو و شیرین در پایان داستان	عشق ویس و رامین در پایان داستان

ضمیمه

جدول

انواع عشق اشتنبرگ	صمیمیت	هوس	تعهد
الف- عشق دوستانه (فقط صمیمیت)	✓	—	—
ب- عشق سودایی (فقط هوس)	—	✓	—
ج- عشق توخالی (فقط تعهد)	—	—	✓
د- عشق مشفقانه (تعهد + صمیمیت)	✓	—	✓
ه- عشق کورکورانه (تعهد + هوس)	—	✓	✓
و- عشق رمانتیک (صمیمیت + هوس)	✓	✓	—
ز- عشق کامل یا آرمانی (صمیمیت + تعهد + هوس)	✓	✓	✓

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان‌نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز استخراج شده است. سرکار خانم دکتر زرین‌تاج واردی راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم سارا حسین آبادی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز و هیئت داوران پایان‌نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Asa'ad Gorgani, Fakhreddin. (2007). Weiss and Ramin, edited by Mohammad Roshan, Tehran: Contemporary Voice.
- Forum, Eric (2007). The Art of Loving, Translated by Puri Soltani, Tehran: Morvarid.
- Hendrick c, Hendrick ss. (1986). A Theory and method of love of personality and Social psychology, 50 (2), pp. 392-402.
- Lee, J A. (1973). Colors of love: an exploration of the ways of loving, New York: New Press.
- Lumomir Lamy. (2009). Limpack du soutien social sur la sante, dans Jacques Lecomte (dir.). Introduction a la psychologue positive, pairs, Dunod.
- Majd, Omid & Majd, Parvaneh. (2011). Steinberg's love triangle theory and its adaptation to Saadi's ideas, Journal of Women in Culture and Art, 2 (4), pp. 89-81.
- Mohammadpour, Kh. (2011). Analysis of Weiss and Ramin Fictional Elements, Journal of Comparative Linguistic Research, 1(2), pp. 129-138.
- Nezami Ganjavi, Elias ibn Yusuf. (1997). The story of Khosrow and Shirin, by Abdolmohammad Ayati, Tehran: Amirkabir.
- Riahi, L. (1979). The hero of Khosrow and Shirin, Tehran: Amirkabir, p. 222.
- Sternberg, Robert and Barnes, Michel. (1988). psychology of love, Yale University press, p. 70.

- Sternberg, Robert. (1986). A Triangular Theory of Love, *psychological Review*, vol 93, April, pp. 119, 122.
- Sternberg, Robert. (2015). *Psychology*, translated by Seyed Kamal Kharazi & Elahe Hejazi, Tehran: Samt.
- Taqavi Kotnabi, A. (2015). Investigating the element of personality analysis in Weiss and Ramin Asa'ad Gorgani, *Conference on Communication, Persian Language and Literature and Linguistic Studies*, pp. 20-30.

فهرست منابع

- بررسی عنصر تحلیل شخصیت در ویس و رامین اسعد گرگانی، تقوی کوتنابی، ع. (۱۳۹۴). *همایش ارتباطات، زبان و ادبیات فارسی و مطالعات زبان شناختی*، صص ۲۰-۳۰.
- تحلیل عناصر داستانی ویس و رامین، محمدپور، خ. ا. (۱۳۹۰). *مجله پژوهش‌های زبانشناسی تطبیقی*، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۲۹-۱۳۸.
- خسرو و شیرین، نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف. (۱۳۷۶). به کوشش عبدالمحمد آیتی، تهران: امیرکبیر.
- روانشناختی، اشتنبرگ، رابرت. (۱۳۹۵). ترجمه سید کمال خرازی و الهه حجازی، تهران: سمت.
- قهرمان خسرو و شیرین، ریاحی، ل. (۱۳۵۸). تهران: امیرکبیر.
- نظریه مثلث عشق اشتنبرگ و انطباق آن با عقاید سعدی، مجد، امید و مجد، پروانه. (۱۳۹۰). *مجله زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۲، شماره ۴، صص ۸۱-۸۹.
- ویس و رامین، اسعد گرگانی، فخرالدین. (۱۳۸۶). به تصحیح محمد روشن، تهران: صدای معاصر.
- هنر عشق ورزیدن، فروم، اریک (۱۳۸۵). ترجمه پوری سلطانی، تهران: مروارید.

معرفی نویسندگان

سارا حسین‌آبادی: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

(Email: hoseini.9857@gmail.com)

زرین تاج‌واردی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

(Email: zt.varedi@gmail.com نویسنده مسئول)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



Introducing the authors

Sara Hosseinabadi: PhD student in Persian language and literature, Shiraz University, Shiraz, Iran.

(Email: hoseini.9857@gmail.com)

Zarrintaj Varedi: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Shiraz University, Shiraz, Iran.

(Email: zt.varedi@gmail.com Responsible author)